

مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله‌جوادی

محمد داودی*

فاطمه وجدانی**

چکیده

محیط‌زیست و مشکلاتش زندگی انسان را تهدید می‌کند؛ ازاین‌رو تربیت زیست‌محیطی از موضوعات مهم دوران معاصر است. تربیت زیست‌محیطی رشد و پرورش دانش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای لازم برای حفظ و آبادانی محیط‌زیست است. هدف این تحقیق، بررسی مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر نظریات آیت‌الله‌جوادی آملی است. در این مقاله علاوه‌بر تدوین مبانی و هدف کلی تربیت زیست‌محیطی (تربیت انسان مؤمن صالح هماهنگ با محیط‌زیست)، شش هدف واسطه‌ای استخراج کرده‌ایم: پرورش نگرش توحیدی به جهان هستی و محیط‌زیست؛ آشنا کردن مرتبی با فلسفه آفرینش جهان هستی و نسبت خود و محیط‌زیست؛ آشنا کردن مرتبی با وظایف خود درقبال محیط‌زیست؛ پرورش احساس دوستی و مسئولیت الهی درقبال محیط‌زیست؛ پرورش احساس همدلی و تکلیف درقبال اعضای جامعه و نسل‌های آتی؛ پرورش مهارت‌های ضروری برای آبادانی محیط‌زیست و بهره‌گیری درست از آن. سپس مصادیق این اهداف را با جزئیات بیشتری بررسی کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، تربیت زیست‌محیطی، مبانی تربیت زیست‌محیطی، اهداف تربیت زیست‌محیطی، آیت‌الله‌جوادی آملی، اسلام.

* دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. (mdavoudi@rihu.ac.ir)

** استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش ۹۶/۰۷/۰۱

مقدمه

خسارت‌ها و صدمه‌های محیط‌زیست، زنگ‌های خطر را برای انسان معاصر به صدا در آورده است. استفاده بی‌رویه از منابع آب، خاک، گیاهان و شکار بی‌رویه برخی حیوانات موجب نابودی بخش‌های زیادی از منابع آب و خاک و برخی گونه‌های حیوانی و گیاهی شده است. نتیجه این استفاده بی‌رویه، تخریب و نابودی جنگل‌ها و مزارع، نشست دشت‌ها، بیابان‌زایی و دیگر مشکلات زیست‌محیطی است. پیشرفت صنعتی و دسترسی آسان به منابع طبیعی نیز به این روند سرعت بخشیده است.

با ملموس‌تر شدن خطرهای مصیبت‌های زیست‌محیطی، افراد و تشکلهای مختلفی در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شروع به فعالیت کرده‌اند. حاصل این تلاش‌ها در سطح بین‌المللی، چندین سند و اعلامیه مهم است که می‌توان به «اعلامیه زمین» در سال ۱۳۹۲ در ریودوژانیرو، «معاهده کاهش گازهای گل‌خانه‌ای کیوتو» و «معاهده حفظ تنوع زیستی در بهار سال ۱۹۹۳» اشاره کرد (عابدی سروستانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴).

اما این اعلامیه‌ها و معاهدات به تنهایی نمی‌توانند سدی در برابر روند روبه‌رشد تخریب محیط‌زیست انسان باشند. آنچه بیش از همه می‌تواند مؤثر باشد، تغییر بینش مردم است که منجر به تغییر رفتار آن‌ها با محیط‌زیست می‌شود؛ یعنی به تعلیم و تربیت ویژه‌ای نیاز است؛ تعلیم و تربیتی که آگاهی‌ها و بینش‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب زیست‌محیطی را در مردم پرورش دهد.

آیت‌الله جوادی آملی از اندیشمندان مسلمان معاصر، به دغدغه زیست‌محیطی انسان معاصر توجه و آن را از دیدگاه اسلامی بررسی کرده است. در این مقاله می‌کوشیم مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی را با تأکید بر نظریات معظم‌له بررسی کنیم؛ اما پیش از پرداختن به مبانی و اهداف، لازم است مفهوم محیط‌زیست و تربیت زیست‌محیطی را روشن کنیم.

مفهوم محیط‌زیست و تربیت زیست‌محیطی

محیط‌زیست مکان و فضایی است که زندگی در آن جریان دارد و شامل ابعاد گوناگون

دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی است، اما در بیشتر موارد کاربرد این عبارت، همه ابعاد آن مدنظر نیست و بیشتر بعد طبیعی، یعنی مکان و فضای طبیعی و گاه نیز اجتماعی مدنظر است. تعریف‌های گوناگونی از محیط‌زیست وجود دارد. برخی محیط‌زیست را دو قسم کرده‌اند: محیط‌زیست طبیعی و محیط‌زیست انسانی. محیط‌زیست طبیعی آن بخش از محیط‌زیست است که انسان در تشکیل آن نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های الهی است. محیط‌زیست انسانی آن بخش از محیط‌زیست است که به‌دست انسان‌ها پدید آمده است. برخی دیگر گفته‌اند محیط‌زیست مجموعه عوامل زیستی شیمیایی، طبیعی، جغرافیایی و آب‌وهوایی است که انسان و محل سکونت او را دربر گرفته است (فتحعلی، ۱۳۹۰). برخی دیگر محیط‌زیست را چنین تعریف کرده‌اند: «محدوده‌ای که انسان در آن زندگی و فعالیت می‌کند که شامل، زمین، هوا، آب و موجودات زنده و بی‌جان است.» (همان: ۸)؛ درمجموع می‌توان گفت محیط‌زیست طبیعی، چنان‌که فتحعلی گفته است، مجموعه عوامل و عناصر طبیعی است که با زندگی انسان رابطه متقابل دارد (فتحعلی، ۱۳۹۰).

تربیت زیست محیطی^۱ در قرن اخیر در مرکز توجه پژوهشگران، حامیان محیط‌زیست و دست‌اندرکاران تربیت قرار گرفته است. استپ و دیگران (۱۹۶۹: ۳۰) تربیت زیست محیطی را این‌گونه تعریف کردند: «فرایندی با هدف پرورش شهروندی آگاه و نگران درباره محیط زیستی - فیزیکی و مسائل آن، که می‌داند چگونه این مشکلات را حل کند و انگیزه دارد که برای اجرای این راه‌حل‌ها اقدام کند.» در اعلامیه کنفرانس بین‌المللی مربیان زیست محیطی که با حمایت یونسکو در ۱۹۷۷ برگزار شد، تربیت زیست محیطی را چنین تعریف کرده‌اند:

«فرایند یادگیری که دانش و آگاهی افراد را درباره محیط‌زیست و چالش‌های آن افزایش می‌دهد، مهارت‌ها و خبرگی‌های لازم برای تعیین این چالش‌ها را افزایش می‌دهد و نگرش‌ها، انگیزش‌ها و تعهدهایی را تقویت می‌کند که باعث تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و اعمال مسئولانه می‌شود.» (UNESCO, 1978)

۱. EE(Environmental Education) or Ecological Education.

باتوجه به تعریف محیط زیست و تعریف های تربیت زیست محیطی می توان گفت غایت تربیت زیست محیطی آن است که نسل جدید به گونه ای تربیت شوند که بتوانند ضمن بهره برداری لازم از محیط زیست، نه تنها آن را تخریب نکنند، بلکه آن را حفظ و آباد هم بکنند؛ بنابراین تربیت زیست محیطی، رشد و پرورش دانش ها، گرایش ها و رفتارهای لازم برای حفظ و آبادانی محیط زیست است.

مبانی تربیت زیست محیطی

هر دیدگاه درباره تربیت زیست محیطی بر مجموعه ویژه ای از مبانی، به ویژه مبانی هستی شناختی و انسان شناختی استوار است. دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره تربیت زیست محیطی نیز بر مبانی ویژه ای استوار است که در اینجا به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم.

آفریدگی و زیبایی

جهان هستی با همه عظمت و وسعت خود که زمین بخش کوچکی از آن است، مخلوق خدا و زیباست: «خداوند کسی است که هر چیزی را که آفرید، زیبا آفرید» (سجده/۷) و زیبایی آن در این است که نظام مند و هدفمند است: «پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش [خاص] آن را عطا و سپس هدایتش کرد.» (طه/۵۰). این آیه به صراحت هدفمندی و نظام مندی جهان را بیان می کند؛ زیرا مطابق این آیه کریمه، خداوند ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق و هدفمندی او تأمین کرد. آن گاه او را در بستر مستقیم به مقصد وی هدایت کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹ و ۲۲)؛ بنابراین طبیعت نیز که بخشی از جهان هستی است، مخلوق خدا و زیباست.

وابستگی و مملوکیت

جهان و آنچه در آن است، از جمله انسان، همگی مملوک خداست:

«موجودات ممکن به جهت آنکه وجودشان ربط است، در هیچ آنی از آنات و در هیچ شأنی از شئون زندگی خود نمی توانند بدون فیض لایزال الهی ظهور و بروز کنند و به حیات خود ادامه دهند. آن ها هیچ استقلالی از خود نداشته، بلکه وابسته محض به خداوند. این وابستگی و تعلق که از علیت و خلقت خداوند نسبت به

آن‌ها حاصل شده است، به مالکیت تام الهی منجر می‌شود.» (همان: ۱۶۹)

«و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست» (آل عمران/ ۱۸۹)؛ «هرچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست [و] همه فرمان‌پذیر اویند» (بقره/ ۱۱۶)؛ بنابراین طبیعت نیز متعلق به خدا و ملک تام خداست و هیچ تعلقی به هیچ موجودی ندارد.

امانت الهی

از آنجاکه جهان هستی، از جمله زمین و موجودات آن متعلق به خداست، انسان نسبت به هیچ موجودی هیچ گونه مالکیتی و در نتیجه حقی ندارد. انسان نمی‌تواند در هیچ یک از موجودات تصرف کند؛ مگر با اجازه خداوند متعال که مالک حقیقی همه چیز است؛ بدین ترتیب، مطابق قاعده عقلی مقبول و رایج عقلا، انسان بدون اجازه خداوند، که مالک حقیقی انسان و زمین و کل جهان است، حق هیچ گونه تصرفی را ندارد. هنگامی که اجازه تصرف داده می‌شود، تنها در محدوده‌ای که تعیین و به گونه‌ای که اجازه داده شده است، حق تصرف دارد؛ به عبارت دیگر، همه آنچه انسان دارد، همگی «امانتی الهی است و انسان امانتدار خداوند است و تصرف ناروا در آن ظلم است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

خلیفه الهی انسان

انسان خلیفه و جانشین خدا در زمین است: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت.» (بقره/ ۳۰) و موظف است کارهایی را انجام دهد که خداوند به او واگذار کرده است. جانشین خدا در زمین برای انجام دادن صحیح وظایف جانشینی، صلاحیت‌ها و امکاناتی لازم دارد. هرکسی نمی‌تواند از عهده این کار خطیر برآید؛ از این رو خداوند به او حواس پنج‌گانه، عقل و اندیشه بخشید، همه حقایق را به او آموزش داد و به زیور علم آراست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۷)؛ «و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت. سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه کرد.» (بقره، ۳۱).

مسخر انسان بودن

جانشین خدا افزون بر علم، به قدرت تحقق بخشیدن به علم خود نیز نیازمند است؛ از این رو، خداوند متعال زمین و آسمان و همه موجودات آن‌دو را مسخر او قرار داد تا قدرت

اجرای خلافت الهی را داشته باشد: «آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.» (لقمان/ ۱۹). تسخیر چنان‌که آیت‌الله جوادی گفته‌اند، «درجایی است که فعل، ملایم با طبع فاعل است و فاعل مفروض برای انجام آن کار خلق شده است و عامل بیرون آنچه را که مقتضای طبع اوست، خردمندانه از او طلب می‌کند. فاعل بالتسخیر به فاعلی گفته می‌شود که تحت تسخیر مبدء دیگر کار می‌کند و آن مبدء فاعل مسخر را به گونه‌ای هدایت می‌کند که بهره‌احسن را از آن ببرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)؛ پس انسان برای ایفای وظیفه خلیفه‌اللهی خود باید قوانین حاکم بر جهان را بشناسد، تصرف خود را در آسمان و زمین براساس آن‌ها انجام دهد و نمی‌تواند برخلاف این قوانین رفتار کند.

آبادانی زمین، وظیفه جانشین خدا

پیش‌ازاین گفتیم جانشین خدا به مقتضای جانشینی موظف است کارهایی را انجام دهد که خداوند به او واگذار کرده است. وظیفه انسان خلیفه‌الله چیست؟ وظیفه انسان در زمین دو چیز است: ۱) فراگیری علوم برای دستیابی به رشد و کمال؛ ۲) آبادانی زمین: «او شما را از زمین پدید آورد و به شما مأموریت داد در آن به آبادانی پردازید؛ پس از او آمرزش بخواهید؛ آن‌گاه به درگاه او توبه کنید.» (هود/ ۶۱) آبادانی زمین در درجه اول مستلزم حفظ زمین و زیبایی خداداد آن و در مرحله بعد، بهره‌برداری درست و افزودن بر زیبایی آن است؛ ازاین‌رو خداوند انسان‌ها را به بهره‌برداری از نعمت‌های الهی فرامی‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۸): «و او کسی است که زمین را رام شما ساخت؛ پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست» (ملک/ ۱۵)؛ «هان ای مردم! از آنچه در زمین است، بخورید درحالی‌که حلال و طیب باشد و گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او شما را دشمنی است آشکار» (بقره/ ۱۶۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غذاهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و خدا را شکر کنید، اگر او را می‌پرستید.» (همان/ ۱۷۲)

ازاین‌رو همه انبیا مردم را به استفاده بهینه از نعمت‌های الهی فراخوانده‌اند؛ به عبارت دیگر، کوشش و فعالیت برای استفاده بهینه از نعمت‌های خدادادی، دستور مشترك همه انبیاست. اگر

کسی از این دستور سرپیچی کند، با همه پیامبران الهی مخالفت کرده است و نتیجه آن چیزی جز دوری از خداوند نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۳). امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که آب و زمین حاصلخیز داشته و فقیر باشد، از رحمت الهی به دور باد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۴۱).

انسان نباید از علم و قدرت خود باری تخریب زمین و زشت کردن آن استفاده کند. خداوند یکی از صفات زشت کافران را تخریب زمین می‌داند و از آن بیزاری می‌جوید: «هنگامی که روی برمی گردانند [و از نزد تو خارج می‌شوند]، در راه فساد در زمین کوشش و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌کنند [باینکه می‌دانند] خدا فساد را دوست ندارد.» (بقره/ ۲۰۵). براساس این آیه، فساد در زمین شامل کشتار به ناحق انسان‌ها و تخریب مزارع می‌شود و خداوند از فساد بیزار است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۹).

پس وظیفه انسان در زمین، آباد کردن آن است؛ به گونه‌ای که زیست محیطی مناسب برای انسان و دیگر موجودات فراهم آید تا بتوانند به غایت آفرینش خود دست یابند. غایت آفرینش انسان، استکمال و قرب الهی است. زیست محیط مناسب آن است که هم به لحاظ مادی مناسب باشد؛ به گونه‌ای که آتش سالم، هوایش پاکیزه، زمینش پاک و بارور و دریاهايش عاری از آلودگی و سرشار از موجودات دریایی باشد؛ هم از نظر معنوی و اخلاقی پاک؛ به گونه‌ای که مظاهر فساد و پلستی و آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی و اجتماعی در آن بروز نکنند:

«منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است، نه خصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه خصوص زندگی حیوانی که عده‌ای به آن بسنده نموده‌اند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طب طبیعی طرفی بندهد، هم روح از مواهب ویژه نفس رحمانی به روح و ریحان نایل آید.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۱)

به عبارت دیگر، مقصود از خلافت انسان و مسخر گردانیدن زمین برای او فقط آبادانی مادی زمین نیست؛ آبادانی زمین مقدمه و وسیله‌ای است برای هدف برتر و بالاتر؛ یعنی صلاح انسان، یعنی تزکیه و تقوا: «همانا رستگار شد کسی که نفسش را تزکیه کرد.» (اعلی/ ۱۴) زمین باید آباد و در آن صلح حاکم باشد تا زمینه برای صلاح انسان مهیا شود؛ اما مکاتب

دیگر، رستگاری را در زورمندی می‌دانند: «امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند.» (طه/۶۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۵)

از آنجاکه انسان از توانایی شناختی و ارادی بسیار فراتر از دیگر موجودات زمینی بهره‌مند است، مسخر بودن طبیعت برای انسان به معنای بهره‌برداری بهینه، عمیق، وسیع، دقیق، خردمندانه و بدون اسراف و تبذیر از مواهب زمین است که بسیار فراتر از بهره‌برداری حیوانات است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۱). قلمرو استفاده انسان نیز بسیار فراتر از قلمرو بهره‌برداری حیوانات است و شامل دریاها، کوه‌ها، دره‌ها، اعماق زمین و حتی فضا و آسمان هم می‌شود:

«خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید و شاید شکر نعمت‌هایش را به جا آورید. * او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه را از خودش مسخر شما ساخته. در این نشانه‌های [مهمی] است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.» (جاثیه/۱۲-۱۳)

جانب‌داری نه بی‌طرفی

امروزه رایج است که جهان هستی در قبال به انسان بی‌طرف است. جهان هستی و اجزای آن، از جمله طبیعت، به نوع عقیده، شخصیت و رفتار انسان بی‌اعتناست. اگر کسی تلاش کند، از مواهب آن بهره می‌برد؛ وگرنه در سختی خواهد بود؛ اما این برداشت با متون اسلامی سازگار نیست. برپایه آیات و روایات، خداوند زمین و محیط‌زیست را با همه موجوداتش مسخر انسان کرده است و انسان می‌تواند آن‌ها را رام کند و از منافع آن‌ها بهره‌مند شود؛ اما آن‌ها منفعل محض نیستند، بلکه بسته به نوع رفتار و حتی شخصیت انسان، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند و این سنت الهی در زمین است. زمین و محیط‌زیست، نعمت‌های خود را در اختیار کسی قرار می‌دهند که با تلاش کردن آن نعمت‌ها را استخراج و فراوری کند و کسی که کوشش نکند، از این مواهب بی‌بهره خواهد بود. صالح و طالح، مؤمن و کافر، با اخلاق و بی‌اخلاق (اخلاق انسانی و الهی) فرقی در این زمینه ندارند: «هریک از این دو گروه را از عطای پروردگارت بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز [از کسی] منع نشده است.» (اسراء/۲۰) اگر در مواردی انسان‌های ناصالح ثروت و نعمت بیشتری دارند، چون تلاش

بیشتری می‌کنند؛ باوجوداین، زمین و طبیعت به انسان صالح و طالح، مؤمن و کافر، عقاید و اعمال انسان بی‌اعتنا نیست. محیط‌زیست دوستدار مؤمن و انسان بافضیلت است و مواهبش را سخاوتمندانه در اختیار او قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). «و اینکه اگر آن‌ها [جن و انس] در راه [ایمان] استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم» (جن/ ۱۶)؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی [آن‌ها حق را] تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف/ ۹۶)؛ «از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آموزنده است، تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد.» (نوح/ ۱۰-۱۲)

«اگر انسان در مسیر صحیح حرکت کند، نظام عالم نیز به‌سود او حرکت می‌کند و به‌نفع او تغییر می‌یابد [...] و در صورتی که به‌جای تقوا اهل طغوا شوند، ابرها باران خویش را در اقیانوس‌ها یا در سرزمین‌های لم‌یزرع و غیرقابل کشت می‌بارند یا به‌موقع نمی‌بارند و به‌جای منفعت، موجب خسارت می‌شوند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۱)

ازسوی دیگر، محیط‌زیست و زمین با کسانی گشاده‌دست نیست که عقاید و اعمال درست و شایسته ندارند (همان: ۲۰۳). «فساد در خشکی و دریا به‌خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ شاید [به‌سوی حق] بازگردند.» (روم/ ۴۱)

ایمان و صلاح عامل آبادانی

رابطه انسان صالح با طبیعت، دوستی متقابل است. انسان صالح دوستدار طبیعت است و طبیعت نیز دوستدار انسان صالح؛ ازاین‌رو انسان صالح از طبیعت محافظت و آن را آباد می‌کند و طبیعت نیز مواهب خود را سخاوتمندانه در اختیار وی می‌گذارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۳). پیامبر ﷺ فرمود: «این احد کوهی است که ما را دوست دارد و ما نیز او را دوست داریم.» (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۴۷/۱)

اما انسان ناصالح دوستدار طبیعت و محیط‌زیست نیست و آن را فقط برای رفاه خودش

می‌خواهد و تا آخرین حد ممکن استثمار می‌کند که ثمره‌اش تخریب طبیعت است؛ پس انسان صالح، عامل حفظ و آبادانی محیط‌زیست و انسان ناصالح، عامل تخریب آن است. کلید حفظ محیط‌زیست، تغییر انسان و تربیت انسان صالح است؛ به عبارت دیگر، ایمان پشتوانه حفظ و آبادانی محیط‌زیست و مؤمنان، حافظان و آبادگران آن هستند:

«توفیق آبادانی زمین را انسان‌های باایمان دارند. حاکمان بی‌ایمان و سردمداران مستکبر، جامعه را به فساد می‌کشانند. چنان‌که در شرق و غرب جهان، بشریت به نابودی حرث و نسل و کشتار و تجاوز، آلودگی و ناامنی محیط‌زیست مبتلاست. نه تنها انسان، بلکه موجودات زنده دریایی و صحرایی نیز از فساد آنان در امان نمانده‌اند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸)

هماهنگی انسان و محیط، عامل آبادانی

تنها راه برای حفظ محیط‌زیست، هماهنگی انسان و محیط‌زیست و رابطه دوستی متقابل آن‌هاست. این هدف زمانی محقق می‌شود که انسان به مقام انسانیت رسیده باشد.

انسان از نظر قرآن «حی متأله» است: حیات و تأله. حیات دو مرتبه دارد: حیات حیوانی که همان حکومت غرایز بر انسان است و حیات انسانی که حکومت عقل بر انسان است؛ اما انسان هنگامی از نظر قرآن به مقام انسانیت واقعی می‌رسد که از حیات حیوانی بگذرد و به حیات انسانی برسد و از آن نیز بگذرد و به حیات الهی قدم بگذارد و این زمانی به دست می‌آید که فطرت الهی انسان که فصل ممیز اوست، به شکوفایی برسد و در وجود او حاکمیت یابد. از نظر قرآن از آنجاکه تأله جزء جدایی‌ناپذیر حیات است، حیات انسانی از تأله جدایی‌ناپذیر و این دو واحدند؛ از این رو نقص در تأله به معنای نقص در حیات انسانی و نقص در حیات انسانی نیز به معنای نقص در تأله انسان است (همان: ۶۹).

هنگامی انسان به مقام تأله می‌رسد که اندیشه‌هایش تابع عقل نظری و انگیزه‌هایش تابع عقل عملی و همگی تابع محکومات فطری و محکومات فطری تابع محکم‌ترین محکومات باشند. در این هنگام است که همه قوای درونی انسان در راستای الهی هماهنگ می‌شوند و ندای «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم» سر می‌دهند؛ چنان‌که همه موجودات دیگر ندای «از سر اطاعت می‌آییم». اینجاست که انسان با همه جهان هستی

از جمله محیط زیست و زمین هماهنگ می‌شود؛ زیرا همگی در مسیر بندگی و اطاعت خدا قرار می‌گیرند. ثمره این هماهنگی، دوستی متقابل انسان و محیط زیست است و در نتیجه، هم محیط زیست حفظ و آباد می‌شود و هم محیط زیست همه داشته‌هایش را به انسان می‌دهد تا همگی بتوانند در مسیر عبودیت خداوند پیش بروند (همان: ۷۲).

تغییر بینش و نگرش

تغییر در انسان در گرو تغییر برداشت او از انسان و جهان است. انسان هنگامی تغییر می‌کند و از حیات حیوانی به حیات انسانی و از حیات انسانی به حیات الهی قدم می‌گذارد که تفسیر درستی از خود و جهان داشته باشد. از قضا رسالت اصلی انبیای الهی نیز اصلاح نگرش انسان بوده است؛ زیرا «اگر انسان به گونه‌ای صحیح تفسیر شود و در جای محوری خویش قرار گیرد، جهان [نیز] دگرگون خواهد شد؛ زیرا جهان برای انسان خلق شده است [...] چنین نیست که انسان برای جهان باشد یا جهان و انسان همتای یکدیگر باشند.» (همان: ۷۷).

پس برای حفظ محیط زیست و آبادانی آن، تغییر نگرش انسان به طبیعت لازم است؛ اما کافی نیست. تغییر نگرش به انسان و جهان هستی هم لازم است؛ اما فقط تغییر در نگرش کافی نیست. حفظ طبیعت و آبادانی آن نیاز به کار و کوشش نیز دارد.

کار و کوشش

اسلام به کار و کوشش برای تأمین نیازمندی‌های زندگی دنیایی و آبادانی زمین توجه و بر آن تأکید می‌کند: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد. بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید.» (ملک/ ۱۵). پیامبر فرمود: «اگر قیامت در حال برپاشدن است و در دست شما نشایی هست که پیش از برپا شدن قیامت می‌توانید آن را بکارید، آن را بکارید.» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/ ۴۶۰)

«انسان تا نفس دارد باید کار کند و در جامعه اسلامی هرکسی به تناسب استعداد و قابلیت که دارد، باید تلاش و کوشش کند. کشاورز در تولید محصولات زراعتی، صنعتگر در تولیدات صنعتی، معلم در آموزش و محقق در تألیف و نگارش [...]» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۳۸)

علاوه بر این دستورات کلی، به ویژه در حفظ و آبادانی محیط زیست نیز دستورات زیبا و حکیمانه‌ای در متون اسلامی آمده است. یکی از آن‌ها توصیه به ایجاد و حفظ آب گوارا، هوای سالم و زمین حاصلخیز است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «سکونت و زندگی پاکیزه بدون سه چیز ممکن نیست: هوای پاکیزه، آب فراوان و شیرین، زمین حاصلخیز.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۲۰). امام به سه عامل مهم در محیط زیست، یعنی آب، هوا و خاک توجه و سلامت، پاکیزگی و فراوانی آن‌ها را شرط لازم برای زندگی می‌دانند و مسلمانان را غیرمستقیم به فراهم و حفظ کردن آن‌ها توصیه می‌کنند.

توصیه به درخت‌کاری و ایجاد فضای سبز و استفاده از آن. در اسلام به درخت‌کاری و حفظ درختان و کشتزارها بسیار سفارش شده است؛ تاجایی که کاشت درخت، صدقه و صدقه جاریه است. رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که اصله‌ای بکارد، انسان یا مخلوقی از مخلوقات آدمی از آن درخت بهره‌مند نمی‌شود؛ مگر اینکه برای او صدقه محسوب می‌شود.» (پابنده، ۱۳۸۲: ۷۵۱).

توصیه به رعایت حقوق حیوانات. یکی دیگر از دستورات زیست محیطی اسلام، رعایت حقوق حیوانات، مانند آزار نرساندن به آن‌ها، بیش از اندازه توانشان از آن‌ها کار نکشیدن و ... است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«چهارپا بر صاحبش چند حق دارد. هرگاه پیاده شد، نخست او را علف بدهد و هنگامی که از کنار آبی می‌گذرد، او را سیراب کند و به صورتش نزند که تسبیح گوی خداست و بر پشت او بیهوده توقف نکند؛ مگر در زمان جهاد و بیش از توانش بر آن بار نکند و به اندازه توانش آن را براند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۸/۱۱)

قناعت در مصرف

یکی از کارهای مهم در سلامت محیط زیست این است که افراد جامعه در تلاش و تولید، نهایت توان خود را به کار ببندند و تولیدات خود را افزون؛ اما در مصرف قناعت کنند. تولید فراوان باعث سربلندی جامعه است؛ چنان که قناعت در مصرف مایه سرافرازی است: «بالقناعة یکون العز.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۶۵)

اهداف تربیت زیست محیطی

در این قسمت تلاش می‌کنیم طبق مبانی نظری آیت‌الله جوادی آملی اهداف تربیت زیست محیطی را کامل تر و دقیق تر استنباط کنیم. در برنامه‌های جهانی، معمولاً اهدافی از این دست برای تربیت زیست محیطی در نظر می‌گیرند: انتقال دانش، ایجاد الگوهای جدید رفتاری، توسعه ارزش‌ها و نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای حفاظت و بهبود محیط زیست، رشد آگاهی از ضرورت حفاظت از طبیعت و محیط، آگاهی از پیچیدگی محیط زیست و روابط انسان و طبیعت (بارتوش، ۲۰۰۳: ۶).

کتاب راهنمای برنامه‌ریزی تربیتی در مواقع اضطراری و بازسازی (۲۰۰۶) اهداف اصلی آموزش زیست محیطی را برای موارد اضطراری، بحران مزمن و بازسازی آورده است: ترویج آگاهی روشن و ایجاد دغدغه درباره وابستگی متقابل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی در مناطق شهری و روستایی؛ ایجاد فرصت‌هایی برای همگان تا دانش، ارزش، نگرش، تعهد و مهارت‌های لازم برای حفاظت و بهبود محیط را به دست آورند؛ ایجاد الگوهای جدید رفتاری با محیط زیست در افراد، گروه‌ها و جامعه همچون کل.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از اهداف کلان تربیت، آشنایی با مسئولیت‌های خود در قبال طبیعت، ارتقای آداب و آیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی و تعهد به آن‌هاست (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ الف: ۲۴). هنگامی که این هدف کلان به هدف عملیاتی تبدیل شود، هدف پرورش تربیت یافتگانی است که از توان تفکر، درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها همچون آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت بهره‌مند باشند، مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری را همچون امانت الهی درک کنند و شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی را به دست آورند (همان: ۳۰-۳۱). به نظر می‌رسد در این هدف گذاری، بعد شناختی- ادراکی و مهارتی بیشتر در مرکز توجه است. با مراجعه به سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌توان بیان دقیق‌تری از اهداف تربیت زیست محیطی یافت.

در این سند می‌توان اهداف تربیت زیست‌محیطی را در دو بعد از ساحت‌های تربیت، مشاهده کرد. ابتدا در ساحت زیستی و بدنی، یکی از اهداف، کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت براساس نظام معیار اسلامی است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۵۶). سپس در بخش اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، بیشتری به این مسئله پرداخته شده است؛ به گونه‌ای که بخشی از اهداف این ساحت عبارت‌اند از: درک معنای پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت (هستی) برای دستیابی به درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن براساس نظام معیار اسلامی؛ رمزگشایی و رمزگردانی پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت (هستی)؛ پرورش حواس و قدرت تخیل برای دریافت تجلیات حق در سراسر طبیعت (هستی) با توجه به نظام معیار اسلامی؛ درک زیبایی‌های جهان آفرینش همچون مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود؛ زیباسازی محیط زندگی و پیراستن آن از زشتی‌های معنوی، اخلاقی و زیست‌محیطی (همان). اینجا می‌توان برخی اهداف را با صبغه گرایشی و عاطفی، پررنگ‌تر مشاهده کرد. از نظر آیت‌الله‌جوادى کلید حفظ محیط‌زیست، تغییر انسان به انسان صالح مؤمن است؛ بنابراین لازم است نقشه دقیقى برای تربیت زیست‌محیطی ترسیم کنیم. به نظر می‌رسد گام اول، تعیین دقیق اهداف آن است.

هدف کلی تربیت زیست‌محیطی

براساس مبانی آفریدگی و زیبایی، وابستگی و مملوکی، امانت الهی، خلیفه‌اللهی انسان و مسخر انسان بودن طبیعت، وظیفه انسان (جانشین خداوند در زمین) آباد کردن زمین است؛ به گونه‌ای که زیست‌محیطی مناسب برای تحقق هدف آفرینش خود انسان و دیگر موجودات الهی فراهم آید. از آنجاکه استکمال و تقرب به خداوند، هدف غایی آفرینش است، آبادانی زمین به بعد مادی محدود نیست؛ افزون‌بر آن، بعد معنوی را نیز شامل می‌شود. زیست محیط مناسب و آباد آن است که نه تنها مناسب برای حیات نباتی و حیوانی، بلکه مناسب برای «حیات انسانی» باشد. از دیدگاه آیت‌الله‌جوادى چنان‌که پیش‌از این گفتیم، انسان هنگامی به «حیات واقعی انسانی» می‌رسد که «از حیات حیوانی بگذرد و به حیات انسانی

برسد و از آن نیز بگذرد و به حیات الهی قدم بگذارد و این زمانی به دست می آید که فطرت الهی انسان که فصل ممیز او است، به شکوفایی برسد و در وجود او حاکمیت یابد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶۹).

عمل به این وظیفه از دیدگاه آیت الله جوادی آملی فقط از عهده انسان مؤمن صالح هماهنگ با محیط زیست برمی آید؛ انسانی که اندیشه هایش تابع عقل نظری، انگیزه هایش تابع عقل عملی و همگی تابع محکومات فطری و محکومات فطری تابع محکم ترین محکومات باشند؛ زیرا فقط در این صورت است که همه قوای انسان در راستای الهی هماهنگ می شوند؛ در نتیجه، انسان با همه جهان هستی از جمله محیط زیست و زمین نیز که در مسیر اطاعت الهی اند، هماهنگ می شود و ثمره این هماهنگی، آبادانی مادی و معنوی زمین و زیست محیط خواهد بود.

پس می توان گفت هدف کلی تربیت زیست محیطی، تربیت انسان مؤمن صالح هماهنگ با زیست محیط است. ویژگی های اساسی چنین فردی این است که جهان هستی و محیط زیست را مخلوق خداوند و مقدس می داند، از فلسفه آفرینش و نسبت خود و طبیعت و محیط زیست آگاه است، وظایف خود را در قبال آن می شناسد، آن را دوست دارد و برای حفظ، آبادانی آن و بهره گیری از مواهبش در راستای اوامر الهی و تکامل معنوی خویش می کوشد.

اهداف واسطه ای تربیت زیست محیطی

باتوجه به ویژگی های انسان مؤمن صالح هماهنگ با زیست محیط، اهداف واسطه ای تربیت زیست محیطی عبارت اند از:

۱. پرورش نگرش توحیدی به جهان هستی و محیط زیست؛
۲. آشنا کردن متربی با فلسفه، آفرینش جهان هستی و نسبت خود و محیط زیست؛
۳. آشنا کردن متربی با وظایف خود در قبال محیط زیست؛
۴. پرورش احساس دوستی، احترام و مسئولیت الهی در قبال محیط زیست؛
۵. پرورش احساس همدلی و تکلیف در قبال اعضای جامعه و نسل های آتی؛

۶. پرورش مهارت‌های ضروری برای حفظ و آبادانی محیط‌زیست و بهره‌گیری درست از آن.

از شش هدف واسطه‌ای، سه تای نخست به حوزه شناختی - نگرشی، دو تا به حوزه گرایشی و دو تای آخر به حوزه مهارتی - رفتاری مربوط‌اند. در ادامه، مصادیق این شش هدف را با تفصیل بیشتری می‌آوریم.

۱. پرورش نگرش توحیدی به جهان هستی و محیط‌زیست

برای تحقق این هدف لازم است نگرش‌های فرعی زیر در تربی پرورش یابد: تلقی جهان و محیط‌زیست همچون مخلوق زیبای خداوند متعال؛ یعنی دانش آموز جهان را از مظاهر زیبای خلقت خداوند و جلوه‌ها و آیات پروردگار عالم بشناسد، نه فقط پدیده‌ای بریده از ماورای طبیعت.

خداوند را مالک اصلی جهان هستی و محیط‌زیست دانستن؛ دانش آموز وابستگی همه‌جانبه انسان را به خداوند درک کند، متوجه باشد که مالکیت حقیقی و مطلق بر محیط‌زیست ندارد و ضروری است که برای تصرف در محیط‌زیست از تعالیم دین پیروی کند.

«امانت» دانستن جهان هستی و محیط‌زیست، درک مفهوم امانت‌داری و مؤلفه‌هایش؛ تربی باید بداند این جهان امانتی است پیش او که باید به‌خوبی حفظ و آبادش کند، به نسل‌های آتی تحویل دهد و درنهایت، درارتباط با نحوه امانت‌داری، به خداوند نیز پاسخ‌گو باشد.

جهان و محیط‌زیست را نعمت و موهبت الهی دانستن؛ تربی باید بداند جهان هستی با همه مظاهر گوناگون و خوشایندها و ناخوشایندهایش، هدیه و نعمتی از آفریدگار آن است و زندگی در ظرف این دنیا، فرصت مغتنمی برای اوست.

اعتقاد به زنده بودن جهان هستی و محیط‌زیست؛ تربی باید باور داشته باشد خداوند مراتبی را از حیات و شعور علاوه بر حیوانات، به همه نباتات و حتی جمادات اعطا کرده است؛ براین اساس، برای جهان و حیات موجودات ارزش بیشتری قائل باشد و تعاملات اخلاقی تری با آن برقرار کند.

۲. آشنا کردن متربی با فلسفه آفرینش و نسبت میان خود و محیط زیست

برای تحقق این هدف لازم است آگاهی‌ها و دانش‌های زیر در متربی پرورش یابد: درک و شناخت هدفمندی و حکیمانه بودن جهان خلقت و محیط زیست؛ دانش آموز بداند عالم طبیعت، نشئه آزمون (همان: ۲۱۷) و محملی برای رشد روحی و معنوی انسان است؛ نه فقط محملی برای کسب رفاه و لذت بردن از زندگی.

توجه به نظام‌مندی و قوانین دقیق حاکم بر جهان خلقت و محیط زیست؛ بداند که جهان با قوانین و نظم خاصی (نظام احسن) آفریده شده است و اداره می‌شود. درهم ریختن این نظم و هماهنگی، تبعات ناگواری برای خود انسان، سایر موجودات و همچنین محیط زیست دارد. درک مفهوم خلیفه الهی انسان در زمین و محیط زیست، وظایف او در قبال آن و شایستگی‌ها و صلاحیت‌های ضروری برای آن؛ بداند برای چه جانشین خدا برگزیده شده است، عظمت این مسئولیت را درک کند و بداند برای ایفای درست این وظیفه باید چه علوم، صلاحیت‌ها، اخلاقیات و مهارت‌هایی را در خود پیرواند.

توجه به بعد معنوی جهان و محیط زیست و غرق نشدن در مظاهر مادی آن؛ جهان را تنها محدود به بعد مادی و محسوس آن نداند، به حقیقت معنوی که در باطن این جهان مادی قرار دارد، توجه کند و حتی الامکان آگاهی داشته باشد و تمام توجه و تمرکز او معطوف به مادیات و ظواهر دنیا نباشد.

کسب نگرش کل نگرانه به زندگی، رفتارها و دستاوردها؛ ارتباطات چندگانه انسان، طبیعت، اقتصاد (پیشرفت مادی)، معنویت و سعادت ابدی را درک کند. همچنین به تأثیرات متقابل اعمال انسان‌ها بر یکدیگر توجه کند و بداند درون نسل‌ها و حتی بین نسل‌ها ارتباطات و تأثیرات متقابل وجود دارد (همان: ۱۸۲). گاه اعمال انسان در نیاکان یا نواده‌های او و حتی بر جامعه بشری، اعم از همسایگان و دیگران اثر می‌گذارد؛ پس باید مدیریت اعمال خود را جدی بگیرد.

شناخت و توجه به ارتباط عمل نیک و بد آدمی با حوادث ناگوار طبیعی یا گشایش رزق؛ زمین و محیط زیست را منفعل محض نپندارد و این سنت الهی را بشناسد که زمین

مواهبش را سخاوتمندانه در اختیار انسان مؤمن و دوستدار طبیعت قرار می‌دهد و با کسانی گشاده‌دست نیست که عقاید و اعمال درست ندارند. چه‌بسیار حوادث ناگوار طبیعی که نتیجه اعمال نادرست و گناهان و چه‌بسیار رزق و روزی‌های حساب‌نشده که به‌دلیل رفتارهای نیک انسان‌هاست.

درک رابطه بلایای طبیعی با امتحان الهی (همان: ۲۱۱)؛ دانش‌آموز عالم طبیعت را نشئه‌آزمون درک کند و بداند هر حادثه‌ای در زمین، طبق مشیت خداست و در نتیجه، نه هنگام تمکن دچار تفاخر شود و نه هنگام زوال نعمت دچار غم و اندوه (همان: ۲۲۷)، بلکه باید از آن برای رشد همه‌جانبه بهره‌برد.

درک رابطه سلامت محیط‌زیست و سلامت جسمی و آرامش روانی انسان (همان: ۱۹)؛ بداند این آرایش و زیبایی نظام هستی، پایه آرامش بشر است و حرکت برخلاف قوانین هستی، در درازمدت جز بر بیماری جسمی و روحی او نمی‌افزاید.

شناخت تأثیر احیای محیط‌زیست بر سعادت اخروی (همان: ۱۹۹)؛ بداند از آثار خیر ماندنی و مؤثر بر سعادت اخروی، احیای محیط‌زیست با درخت‌کاری، حفر قنات، سدسازی و کارهایی است که بستر مناسبی برای زیست بشر فراهم می‌کند.

۳. آشنا کردن متربی با وظایف خود در قبال محیط‌زیست

برای تحقق این هدف لازم است آگاهی‌های زیر در متربی پرورش یابد: شناخت دقیق وظایف خود در قبال دیگران و نسل‌های آتی؛ حقوق نسل‌های آتی را به‌دقت بشناسد و به وظایف خود در قبال ایشان آگاه باشد.

درک اهمیت آباد کردن زمین برای نسل حاضر و آتی همچون ضرورت و تکلیف؛ فقط به فکر رفع نیازهای خود نباشد، بلکه نیازهای نسل‌های آینده را نیز تصور و درک کند که تلاش برای رفع نیازهای ایشان، نه لطفی در حق ایشان، که تکلیفی برای ماست.

درک مفهوم شکر، انواع و مصادیقش با تأکید بر محیط‌زیست؛ از آنجاکه دنیا را نعمت بزرگ الهی می‌داند، راه شکر این نعمت را بداند، انواع آن (شکر زبانی و عملی و مصادیقشان) را بشناسد و تأثیرات شکر و کفران کردن این نعمت را نیز بداند.

شناخت اوصاف و شرایط مدینه فاضله با تأکید بر محیط زیست (همان: ۴۷)؛ بداند مدینه فاضله دین، اوصاف و شرایطی دارد که بخشی از آن به محیط زیست برمی گردد و بخش دیگر به ساکنانش؛ پس این اوصاف و شرایط را بشناسد؛ از قبیل رشد متعادل اقتصادی، عدالت اقتصادی و

شناخت قوانین حاکم بر جهان و محیط زیست؛ در راستای شناخت قوانین حاکم بر پدیده‌ها، مواردی از قبیل اکوسیستم‌ها، تنوع موجودات زنده، فرایند رشد در گیاهان و حیوانات، فرایندهای زیست محیطی، چرخه‌های طبیعت، فواید منابع طبیعی و منابع انرژی و ... را بشناسد.

تمایز کردن بهره‌برداری از تخریب (فساد در زمین)؛ مرزها و شرایط بهره‌برداری را از محیط زیست در حیطه‌های گوناگون همچون جنگل‌ها، دریاها، معادن و ... بشناسد؛ به گونه‌ای که منجر به تخریب آن نشود. مهم‌ترین مسائل زیست محیطی عصر حاضر را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را که بیشتر به رفتارهای نادرست بشری برمی گردند، بشناسد، تحلیل کند و درباره راه حل آن‌ها بحث کند.

آشنایی با روش‌های مراقبت از محیط زیست؛ درباره مهم‌ترین مسائل زیست محیطی و آسیب‌ها، راه‌های مقابله با آسیب‌ها و روش‌های حفاظت از طبیعت را در بخش‌های گوناگون مانند منابع طبیعی، گونه‌های گیاهی و جانوری و ... بداند.

شناخت دستورات دینی درباره ضوابط و نحوه تصرف در محیط زیست؛ با مهم‌ترین آموزه‌های قرآن و سیره درباره استفاده، مراقبت و آبادانی محیط زیست و حقوق حیوانات، گیاهان، زمین و منابع آن آشنا باشد.

۴. پرورش احساس دوستی، احترام و مسئولیت در قبال جهان و محیط زیست

برای تحقق این هدف باید احساسات و مسئولیت‌هایی در متری پرورش یابد: احساس حضور و نظارت خداوند در جهان هستی و از جمله بر رفتارهای انسان با محیط زیست؛ این پایه و اساس احساس مسئولیت است. احساس محبت به خداوند؛ به خداوند همچون منعم و ولی نعمت.

لذت بردن از زیبایی و شکوه جهان هستی و تحسین آن؛ این ویژگی باعث می‌شود فرد درمقابل جهان احساس مسئولیت کند. به‌پشتوانه درک هدفمندی، نظام‌مندی دقیق و احسن بودن نظام هستی، از زیبایی و شکوه آن احساس لذت و از تعامل با آن احساس نشاط کند. احترام عمیق و اصیل به حیات موجودات و اجتناب از نگرش ابزاری به آن، به‌دلیل نگرش قدسی به جهان و قائل بودن حیات و شعور برای طبیعت.

احساس نوعی یک‌پارچگی با طبیعت؛ انسان ابتدا از گل آفریده شده است و در مراحل حیات نیز تغذیه، رشد و حیات جسمی او از نباتات، حیوانات و مواد معدنی است؛ پس طبیعت را بخشی از وجود خود ببیند و با طبیعت احساس یک‌پارچگی کند. حساس بودن به هدررفت منابع طبیعی؛ در برابر مصرف‌گرایی و اسراف احساس انزجار، ناخوشایندی و افسوس کند.

احساس دغدغه و مسئولیت در برابر مسئله‌های زیست‌محیطی (همان: ۱۰۸)؛ چون خداوند جهان را برای انسان آفریده و انسان را مسئول حفظ محیط‌زیست کرده است و او را بازخواست می‌کند، درباره مسائل زیست‌محیطی و وظایفش احساس مسئولیت کند (همان: ۲۵۸). داشتن انگیزه برای مقابله با اقدامات تخریبی محیط‌زیست؛ نه تنها خود طبیعت را تخریب نکند، بلکه به رفتارهای تخریبی دیگران نیز طوری حساس باشد که او را به واکنش تأثیرگذار برانگیزد.

تمایل به صرفه‌جویی در مصرف منابع موجود و حفظ آن‌ها؛ انگیزه (نیت) الهی تلاش برای آبادانی محیط‌زیست (همان: ۲۴۶)؛ انگیزه او در کارهای مفید زیست‌محیطی، فقط تحسین و تقبیح دیگران یا پاداش‌ها و جریمه‌های مادی نباشد، بلکه بیشتر اجرای اوامر و تکالیف الهی و جلب رضایت او باشد.

۵. پرورش احساس همدلی و مسئولیت نسبت به اعضای جامعه و نسل‌های آتی

برای تحقق این هدف لازم است احساسات و دغدغه‌های زیر در مرتبه پرورش یابد: علاقه و دغدغه عدالت در بهره‌مندی همه اعضای جامعه از مواهب محیط‌زیست (همان: ۵۰)؛ چون اسلام احتکار ثروت و ذخیره کردن آن (جریان ناتمام مال) را ممنوع می‌داند و

جریان آن را برای همه طبقات لازم می‌داند، باید این دغدغه و علاقه‌مندی را داشته باشد که همه جامعه از مواهب مادی بهره‌مند شوند.

همدلی، احساس تکلیف و مسئولیت در قبال نیازهای نسل‌های آتی.

۶. پرورش مهارت‌های ضروری برای حفظ و آبادانی محیط‌زیست و بهره‌گیری درست از مواهب

طبیعی

برای تحقق این هدف لازم است مهارت‌هایی در متری پرورش یابد:

سپاسگزاری از خداوند (زبانی و عملی)؛

توانایی استخراج و فراوری بهینه مواهب الهی در محیط‌زیست؛ چون خداوند این جهان و مواهب آن را برای استفاده بشر آفریده است، استفاده نکردن از آن می‌تواند ناشکری باشد. در چهارچوب‌ها به تولید مواد و وسایل لازم بپردازد و فقط مصرف‌کننده نباشد.

بهره‌برداری از محیط‌زیست مطابق قوانین آن و دوری از برهم زدن نظام آن؛

توانایی مصرف بهینه و خردمندانه، قناعت در مصرف (همان: ۲۴۶) و دوری از اسراف،

تبذیر و احتکار (همان: ۵۰)؛

توانایی استفاده از مواهب مادی باری اجرای اوامر الهی و تکامل معنوی (نیت الهی داشتن

و رعایت دستورات دینی در استفاده از مواهب دنیوی)؛

توانایی مقابله فعال با افکار و تبلیغات غلط برای مصرف‌گرایی؛ تحت تأثیر رفتارهای

غلط دیگران و تبلیغات برای مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی قرار نگیرد و افکار و رفتار خود

را فعالانه مدیریت و جهت‌دهی کند.

استفاده از مواد سبز؛ برای جلوگیری از هدررفت منابع طبیعی و حفظ هرچه بیشتر آن،

استفاده از مواد بازیافتی را در اولویت قرار دهد.

تشکیل گروه‌های کوچک و ترغیب دیگران (همدیگر) به اصلاح عمومی الگوی مصرف

در جامعه؛ همراه کردن دیگران، تشکیل گروه‌های کوچک و بزرگ، تصمیم‌ها و اقدامات

گروهی و حمایت فکری و روانی از یکدیگر، به تدریج سبب اصلاح عمومی الگوی مصرف

در جامعه می‌شود و بهبود وضع محیط‌زیست را تسریع و تسهیل می‌کند.
رعایت عدالت درون‌نسلی و عدالت بین‌نسلی در بهره‌مندی از مواهب دنیوی (رعایت حقوق آن‌ها)؛

اقدامات نظام‌مند برای آباد کردن محیط‌زیست؛ فعالیت‌هایی همچون درخت‌کاری، گسترش فضای سبز، محافظت و گسترش تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری به‌ویژه گونه‌های درخطر، احیای موات، حفر چاه، قنات و ... را منظم انجام دهد.
اجتناب از رفتارهای تخریبی و مقابله با انتشار آلودگی‌های زیست‌محیطی؛ دانش‌آموز هم رفتارهای خود را مدیریت و هم بر رفتار سایرین نظارت کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش کردیم اهداف تربیت زیست‌محیطی را براساس دیدگاه آیت‌الله‌جواد آملی تدوین کنیم. برنامه تربیت زیست‌محیطی مؤثر دست‌کم باید بر چند محور تمرکز کند:

اصلاح نگرش به محیط‌زیست (جهان خلقت)؛
اصلاح رویکرد تعاملی انسان با جهان خلقت (از مصرف‌گرایی به امانتداری و آبادانی)؛
احساس عمیق یک‌پارچگی با همه اجزای عالم هستی (و خالق آن) و عشق به آن‌ها؛
توسعه اخلاق و احساس مسئولیت شخصی درقبال محیط‌زیست؛
اصلاح الگوی رفتاری کشور (اسراف و مصرف‌گرایی)؛
مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ترغیب یکدیگر برای برقراری سلامت پایدار در محیط‌زیست.

همه این مؤلفه‌ها باید به الگوی رفتاری و سبک زندگی تبدیل شوند.
باین‌وصف، نمی‌توان داشتن یا تقویت کردن اطلاعات و علم متربیان را معادل تربیت زیست‌محیطی دانست. وظیفه مهم معلم ایجاد نگرش زیست‌محیطی درست، تقویت انگیزه، حساسیت و دغدغه در کنار شناخت و فراهم کردن فرصت تجربه و تمرین‌های عملی در مدرسه و محیط‌های واقعی و طبیعی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، جامعه مدرسین، قم.
۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، دنیای دانش، تهران.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، *اسلام و محیط زیست*، اسراء، قم.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، آل البیت، قم.
۶. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰ الف). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*.
۷. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰ ب). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
۸. طبرسی، فضل ابن الحسن (۱۴۱۷)، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، آل البیت، قم.
۹. فتحعلی، محمود (۱۳۹۰)، «نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی»، *معرفت/اخلاقی*، سال دوم، شماره سوم، ص ۹۷-۱۲۲.
۱۰. عابدی سروستانی، احمد و دیگران (۱۳۹۱)، *اخلاق زیست محیطی*، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انجمن فلسفه ایران، تهران.
۱۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، آل البیت، قم.
12. Bartosh, O. (2003). **Environmental education: improving student achievement**. A thesis for the Master of environmental studies. The Evergreen State College.
13. Stapp, W. & et al. (1969). The concept of environmental education. **Journal of environmental education**, 1(3): 30-31.
14. UNESCO. (1978). **Tbilisi Declaration (final report of the intergovernmental conference of EE: Tbilisi (USSR)**. Paris: UNESCO.
15. (2006). **guidebook for planning education in emergencies and reconstruction**. Chapter 23: Environmental education, Paris: International institute for educational planning.